

سبد معیشت خانوار پس از ۲ سال پاستورنشینی پزشکيان زیر ذره بین

رژیم غذایی بانسخه آقای دکتر!



کیمیا ملکي: مرداد ۱۴۰۳ کجا ایستاده بودیم و مرداد ۱۴۰۵ کجاییم؟ هفته دولت همیشه بهانه‌ای برای ردیف کردن آمارهای اتوکشیده و بریدن روبان‌های قرمز است اما در کف خیابان و در راهروهای بی‌رحم سوپرمارکت‌ها، واقعیت با زبان گزنده ارقام سخن می‌گوید. دولت چهاردهم در شریبطی ۲ سالگی خود را جشن می‌گیرد که اقتصاد ایران از تونل وحشت ۲ جنگ تحمیلی و شوک‌های بی‌امان ژئوپلیتیک عبور کرده است. شکی نیست که اداره کشور در میان جنگ و روزهای که زنجیره‌های تامین جهانی مختل شده بود، کارنامه‌ای فراتر از یک مدیریت عادی می‌طلبید. نمی‌خواهیم چشم بر واقعیت‌های تلخ بین‌المللی ببندیم یا تمام تقصیرها را به گردن تیم اقتصادی دولت بیندازیم اما تصمیمات، سیاست‌های ارزی و مدیریت زنجیره تامین در داخل، همان ضربه‌گیرهایی بودند که ظاهر را در برابر سونامی تورم عمل نکردند. این گزارش تقابل ۲ فاکتور خرید است؛ یکی در روزی که مسعود پزشکیان کلید پاستور را تحویل گرفت و دیگری در همین روزهایی که برنج ۵۰۰ هزار تومانی و گوشت نزدیک به ۲ میلیون تومانی، طبقه متوسط را به مسلخ برده است.

از گوشت ۵۲۰ هزار تومانی تا کابوس ۱ میلیون و ۶۰۰ هزار تومانی

بگذارید به مرداد ۱۴۰۳ برگردیم؛ روزهایی که قیمت شقه و سردست گوسفندی بین ۵۲۰ تا ۷۲۵ هزار تومان نوسان داشت و خرید گوشت، اگرچه سخت اما برای طبقه متوسط هنوز در مرزهای امکان‌پذیری قرار داشت. حالا در مرداد ۱۴۰۵، عبور از مقابل قصابی‌ها نیازمند اعصاب پولادین است. ران تازه گوسفندی با ثبت یک رکورد تاریخی، در کانال یک میلیون و ۸۲۰ تا یک میلیون و ۸۸۰ هزار تومان جا خوش کرده است؛ یعنی افزایش حدود ۲۵۰ درصدی تنها در ۲۴ ماه.

سردست گوسفندی به یک میلیون و ۳۵۰ هزار تومان رسیده و کله‌پاچه‌ای که روزگاری صبحانه تفریحی خانواده‌ها بود، حالا با قیمت یک میلیون و ۱۹۰ هزار تومان به یک کالای به شدت لوکس تبدیل شده است. در بازار گوشت گوساله نیز اوضاع بهتر نیست؛ ران تازه گوساله که در ابتدای دولت چهاردهم با قیمت ۴۶۰ تا ۵۴۸ هزار تومان عرضه می‌شد، امروز بین یک میلیون و ۲۸۰ تا یک میلیون و ۴۸۰ هزار تومان قیمت خورده است. حتی گوشت چرخ‌کرده مخلوط که پناهگاه آخر خانواده‌ها برای تهیه یک وعده غذایی گوشتی بود، از ۲۰۰ الی ۴۷۰ هزار تومان سال ۱۴۰۳، به رقم حیرت‌انگیز یک میلیون و ۴۴۵ تا یک میلیون و ۶۶۰ هزار تومان پرواز کرده است. آیا دستمزدها در این دو سال ۲۵۰ تا ۳۰۰ درصد رشد کرده‌اند؟ قطعاً خیر. نتیجه این معادله، چیزی جز حذف خاموش و سیستماتیک پروتئین قرمز از سبد خانوار نیست.

برنج نیم‌میلیونی و پایان افسانه ماکارونی ارزان

بحران تنها در بخش پروتئین متوقف نشده است. برنج ایرانی که نماد سفره ایرانی است، به کالایی برای ویرتن‌ها تبدیل شده. برنج هاشمی و طارم که در مرداد ۱۴۰۳ حوالی ۱۰۰ تا ۱۱۵ هزار تومان در هر کیلو معامله می‌شدند، اکنون تحت عنوان ایرانی درجه یک با قیمت وحشتناک ۴۹۰ تا ۵۱۰ هزار تومان به دست مصرف‌کننده می‌رسند! افزایش ۵ برابری قیمت برنج در عرض دو سال، نشان از یک فروپاشی در سیاست‌های حمایتی کشاورزی و مدیریت واردات دارد. حتی برنج هندی و پاکستانی که روزگاری قوت غالب اقشار کم‌درآمد بود، امروز به ترتیب در کانال ۳۴۰ و ۳۰۰ هزار تومان جولان می‌دهند.

اما دردناک‌ترین بخش ماجرا، سرنوشت ماکارونی است. کالایی که همواره به عنوان پناهگاه کربوهیدراتی اقسار ضعیف شناخته می‌شد. بسته ۷۰۰ گرمی ماکارونی که در زمان تحویل دولت ۲۷ هزار تومان بود، امروز در مرداد ۱۴۰۵ با قیمت ۸۵ تا ۱۲۰ هزار تومان فروخته می‌شود. وقتی ارزان‌ترین کالای سفره این‌گونه دچار جهش قیمتی می‌شود، یعنی هسته سخت تورم به بی‌رحمانه‌ترین شکل ممکن فعال شده است.

سخن پایانی

۲ سال پس از مرداد ۱۴۰۳، مسئله فقط گران شدن چند قلم کالا نیست بلکه تغییر جایگاه غذا در اقتصاد خانوار است. گوشت، برنج، روغن، لبنیات و حتی میوه دیگر صرفاً اقلام مصرفی نیستند؛ به شاخص‌هایی از توان پرداخت، سطح رفاه و امنیت غذایی تبدیل شده‌اند. دولت چهاردهم نمی‌تواند همه این فشار را محصول جنگ، تحریم، خشکسالی یا میراث دولت‌های پیشین معرفی کند. همان‌طور که نمی‌توان نقش این عوامل را نادیده گرفت، نمی‌توان از مسئولیت تصمیم‌های داخلی، سیاست‌های ارزی، ضعف نظارت و آشفتگی توزیع نیز عبور کرد. مردم انتظار ندارند دولت در میانه بحران معجزه کند؛

سنجش، به‌موقع و کم‌هزینه‌تر از وضعیت موجود باشد. فاصله مرداد ۱۴۰۳ تا مرداد ۱۴۰۵ نشان می‌دهد که هزینه عبور از بحران، بیش از آنکه از مسیر سیاست‌گذاری هدفمند پرداخت شود، از جیب خانوارها و از سفره آنان برداشته شده است؛ سفره‌ای که کوچک‌تر شده اما هنوز صورت‌حسابش هر روز بلندتر می‌شود.

آواربرداری از یک اقتصاد جنگ‌زده یا خطای محاسباتی در پاستور؟

برای درک بلایی که در این ۲ سال بر سر سفره خانوار ایرانی آمده، ابتدا باید مختصات زمین بازی را بشناسیم. دولت مسعود پزشکیان در مرداد ۱۴۰۳، سکان هدایت اقتصادی را در دست گرفت که روی گسل تورم قرار داشت. با این حال، آنچه در فاصله سال‌های ۱۴۰۳ تا ۱۴۰۵ رخ داد، فراتر از یک تورم ساختاری ساده بود. بروز ۲ جنگ تحمیلی و ناخواسته منطقه‌ای، تمام معادلات تجارت خارجی، ترانزیت و امنیت زنجیره تامین را به هم ریخت. هزینه‌های حمل‌ونقل دریایی سر به فلک کشید، کانتینرها در بنادر رسوب کردند، تراز تجاری غیرنفتی زیر فشار قرار گرفت و شوک‌های ارزی، یکی پس از دیگری بر پیکره اقتصاد وارد شد.

اما آیا همه چیز را می‌توان به پای جبر جغرافیایی و جنگ نوشت؟ دولت‌ها دقیقاً برای مدیریت همین بحران‌ها انتخاب می‌شوند. وقتی شوک‌های بیرون‌زا اقتصاد را هدف می‌گیرند، این سیاست‌های انقباضی درست، تخصیص بهینه ارز، رفع گلوگاه‌های گمرکی و مدیریت هوشمندانه توزیع است که باید به عنوان سپر دفاعی عمل کند. متأسفانه بررسی داده‌های کف بازار نشان می‌دهد که تصمیمات مقطعی، قیمت‌گذاری‌های دستوری شکست‌خورده و ناهماهنگی در تیم اقتصادی دولت، باعث شد تا ترکش‌های این بحران‌های منطقه‌ای، مستقیماً به سفره مردم اصابت کند.



مرغ و تخم‌مرغ دیگر ارزان نیستند

روز روی تابلوی فروشگاه‌ها رقم ۲۰۵ تا ۲۳۸ هزار تومان را نشان می‌دهد. حتی نرخ مصوب دولتی که پیدا کردنش در بازار گاهی شبیه به جستجوی سوزن در انبار کاه است، روی ۳۴۸ هزار تومان تنظیم شده است که نشان از یک آشفتگی عجیب در چندترخی بودن بازار مرغ در سال ۱۴۰۵ دارد. تخم‌مرغ نیز به عنوان ارزان‌ترین منبع پروتئین

در اقتصادهای تورمی، وقتی گوشت قرمز از دسترس خارج می‌شود، تقاضا به سمت کالای جانشین یعنی گوشت سفید شیفت می‌کند. در مرداد ۱۴۰۳، مرغ با قیمت ۸۵ تا ۸۸ هزار تومان، هنوز نقش ناجی سفره‌ها را بازی می‌کرد اما موج تورم نهاده‌های دامی، مشکلات تخصیص ارز در سامانه نیما و رسوب نهاده‌ها در گمرکات، کار خودش را کرد. امروز، مرغ گرم کشتار

آشپزخانه‌های در محاصره

اگر بخواهیم عمق فشار تورمی بر آشپزخانه خانوار را اندازه بگیریم، قفسه روغن یکی از روشن‌ترین نقاط شروع است. روغن آفتابگردان سرخ‌کردنی یک‌ونیم لیتری که در مرداد ۱۴۰۳ حدود ۹۱ هزار و ۹۰۰ تومان قیمت داشت، در مرداد ۱۴۰۵ به بازه ۶۰۰ تا ۶۵۰ هزار تومان رسیده است؛ یعنی افزایش اسمی بیش از شش‌برابری. روغن مایع ۹۰۰ سی‌سی نیز اکنون حدود ۳۵۰ تا ۳۷۰ هزار تومان فروخته می‌شود. در بازار لبنیات، شیر بطری پرچرب از ۲۹ هزار تومان به ۹۰ تا ۱۱۰ هزار تومان رسیده و پنیر سفید ۴۰۰ گرمی نیز از ۴۴ هزار و ۴۰۰ تومان به ۸۰ تا ۱۲۰ هزار تومان افزایش یافته است. البته همه اقلام روند یکسانی نداشته‌اند؛ کره ۱۰۰ گرمی، با وجود افزایش هزینه تولید و توزیع، در داده‌های مرداد ۱۴۰۵ با قیمت ۲۰ تا ۲۵ هزار تومان ثبت شده و مقایسه آن با نرخ ۳۲ هزار و ۷۰۰ تومانی مرداد ۱۴۰۳، نیازمند توجه به تفاوت برند، وزن، تخفیف و نوع عرضه است.

در بازار صیفی‌جات و میوه نیز مصرف‌کننده با بازاری چندلایه و فاقد قیمت واحد روبه‌رو است. گوجه‌فرنگی در مرداد ۱۴۰۵ بین ۴۵ تا ۷۹ هزار تومان، خیار بین ۲۶ تا ۸۹ هزار تومان، پیاز بین ۴۷ تا ۵۵ هزار تومان و سیب‌زمینی بین ۲۳ تا ۷۰ هزار تومان قیمت‌گذاری شده است. در بازار میوه، دامنه قیمت‌ها حتی گسترده‌تر است؛ شلیل از ۳۲۰ تا ۶۵۰ هزار تومان، انگور عسگری از ۴۵ تا ۳۵۰ هزار تومان و گلابی از ۱۴۰ تا ۵۰۰ هزار تومان عرضه می‌شود. این ارقام به‌تنهایی برای محاسبه درصد افزایش



حمایت از تولید و حفاظت از قدرت خرید مردم داشته است.